

5847

۱۶۰۰
۱
۱۱۵
سلمان ماری



بزرگ مرد

روایت‌هایی از سبک زندگی

شهید مدافع حرم «محمد امین کریمیان بهنمیری»

عنوان و نام پدیدآور: بزرگ مرد: خاطراتی از سبک زندگی شهید مدافع حرم محمدامین کریمیان / تهیه و تنظیم: گروه تبلیغی فاطمه الزهرا علیهما السلام شهرضا.

مشخصات نشر: قم: موسسه فرهنگی هنری مطاف عشق، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.: مصور (بخشی رنگی). ۲۱/۵*۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۶۰۰-۴-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

خوان دیگر: خاطرات بزرگ مرد: سبک زندگی شهید مدافع حرم محمدامین کریمیان.

موضوع: کریمیان، محمدامین، ۱۳۷۳ - ۱۳۹۵.

موضوع: سیدان، مهسان -- سوره -- سرگذشته

موضوع: Muslim martyr -- Syria -- Biography

شناسه افزوده: گروه تبلیغی فاطمه الزهرا علیهما السلام شهرضا.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۴۰۴/۶۶/۲۲۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۹۵۹۸۵

عنوان: بزرگ مرد (روایت‌هایی از سبک زندگی شهید محمدامین کریمیان)

تهیه و تنظیم: گروه تبلیغی فاطمه الزهرا علیهما السلام شهرضا

مصاحبه کنندگان: عبدالعزیز فاتحی مجرد، سید محمدباقر میرعظیم

بازنویس: مهدی منصوریان

طراح جلد: مهدی جعفری

انتشارات: مؤسسه فرهنگی مطاف عشق

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۶۰۰-۴-۲

محتوای این کتاب با حمایت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

(بخش تبلیغ نوین - مکتوب و هنری) تهیه شده است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۱	بهار (روایت‌هایی از کودکی، نوجوانی و جوانی)
۱۲	زیارت عاشورا
۱۲	لقمه حلال
۱۳	حفظ قرآن
۱۳	درست فرائی
۱۴	کلام قرآن
۱۴	پوشش‌های زنانه
۱۵	مداح کوچک
۱۶	یا حسین
۱۶	بدون اعتراض
۱۶	مراقب بود
۱۷	دروازه‌بان
۱۷	حضرت آقا
۱۸	فشار عصبی
۱۹	کار
۱۹	مؤدب بود
۲۰	جایگاه بالا
۲۰	علاقه
۲۱	تحصیل علم (روایت‌هایی از حضور در حوزه علمیه)
۲۱	روشنگری
۲۲	درست را بخوان

۲۳	قول می‌دهم
۲۳	فقط قم
۲۴	بچه‌ی معصوم
۲۵	سخت بود
۲۵	خیلی کوچک
۲۶	فرهاد مجیدی
۲۷	مدیریت خرج
۲۷	وجه اشتراک
۲۷	خوش نعن
۲۸	اسب امشب
۲۸	گلزار
۲۸	حالات
۲۹	زبان و اخلاق
۲۹	افتخار می‌کنم
۳۰	تلاش مضاعف
۳۰	هدف تحصیلی
۳۱	تافل
۳۲	فوتبال
۳۲	میاندار
۳۳	امام حسین (علیه اسلام)
۳۳	جزئی از زندگی
۳۴	زندگی شهدایی
۳۴	مقرال شهدا
۳۵	سنگ تمام
۳۶	همسر شهید
۳۶	شهید گمنام
۳۶	سلام بر ابراهیم
۳۷	بهشت‌زهره

۳۹	صلوات برای فردین
۳۹	شهید حاج امینی
۴۰	خیجالتی نبود
۴۱	کانال کمیل
۴۱	مثل شهدا
۴۲	راهیان نور
۴۲	اخلاص
۴۳	عقابه گذاری
۴۴	تبلیغ بهادی
۴۴	بیرتی
۴۵	امام زاده
۴۵	حق اربع
۴۶	امام کبری
۴۶	بدون
۴۷	آخوند مفت
۴۷	برویم مسجد
۴۸	لباده
۴۸	عمامه
۴۹	خاطرات تبلیغی
۴۹	حسین حسین
۵۰	برای خودش
۵۰	لباس روحانیت
۵۱	ازدواج
۵۱	فیلم
۵۲	خندوانه
۵۲	به سبک جناب خان
۵۳	حضرت آقا
۵۴	خط قرمز

۵۴	آن بیست روز
۵۵	سنگ تمام
۵۵	کفش خوب
۵۵	یک شهریه
۵۶	نیارت عاشورا
۵۷	آسمان (روایت‌هایی پیرامون اعزام به سوریه)
۵۸	سفره بین شد
۵۸	آن عمار
۵۹	چهارشنبه سوری
۶۰	یخ‌ده توست
۶۰	بهانه‌ی بدیع
۶۱	نیروی تبلیغی
۶۱	این هم سوریه است
۶۲	شلخته
۶۳	اولویت
۶۳	رضایت
۶۴	دوره آموزشی
۶۵	آر بی جی
۶۵	جلسه‌آشنایی
۶۶	بچه‌های موشکی
۶۷	موش موشی
۶۷	گزارش عملکرد
۶۷	عاشقش بودند
۶۸	بدون نشانی
۷۰	مزار شهدا
۷۰	مقرر مانده‌ی

۷۱	رسالت اصلی
۷۱	دغدغه اصلی
۷۲	پول تو جیبی
۷۲	یک دل سیر
۷۳	مثل فرشته‌ها
۷۳	آخرین عکس
۷۴	خدا حافظی
۷۴	تو با باش
۷۴	سبب ناشدنی
۷۵	تو کاره‌ای
۷۶	آخرین دایره ما
۷۷	نقطه می
۷۸	فرماندهی روان حسین
۷۹	پرواز (روایت از خون شهادت)
۸۰	آیت‌الله کریمیان
۸۰	امین دیگر
۸۰	مسیر شهادت
۸۱	روحانی شجاع
۸۲	کمین مثلثی
۸۳	شیخ مرتضی
۸۴	هر طور شده
۸۴	عکس معروف
۸۵	بچه‌های من
۸۵	استشهد معنا
۸۶	مگر شیعه بمیرد
۸۶	نماز شکر

۸۷	 شهید شد
۸۷	 جنازه را نمی خواهیم
۸۸	 هیچ چیز نداشت
۸۸	 مقام شهدا
۹۰	 ♦ بیم به شهید
۹۰	 شهید شما
۹۱	 زندگینامه
۹۲	 وصیت نامه
۹۵	 دست نوشته ها
۱۰۱	 تصاویر شهید به رویت تصویر

www.ketaboo.ir

مقدمه

وقتی حرف از انسان بزرگی می‌شود که او را ندیده‌ام، اولین تصویری که در ذهنم ایجاد می‌شود، انسانی بلندقد و چهارپایه‌مانه است. با آرامش، باصلابت و شاید با صدایی دورگه و کلفت. اما این مدتی که برای فهم شخصیت یک جوان بیست و دو-سه ساله، قم و مازندران را زیر و رو کردم، فهمیدم بزرگی به قد و هیكل و صدای درشت و رفتارهای نمایشی نیست. بزرگی به غیرت و جرأت و مردانگی است؛ بزرگی به دل‌شیر داشتن است؛ به صفا و شجاعت و ایثار؛ همان چیزهایی که در لحظات پایانی زندگی «مردمان کرمیان» می‌توان دید و احساس کرد. چه کسی باورش می‌شود جوانی که از نظر قد و قامت جزء کوچک‌ترین مدافعان حرم است، شب عملیات، جلوی داعشانی که وحشیگری را به نهایت رسانده‌اند، قد علم کند؟ چه کسی باور می‌کند یک طلبه‌ی جوان، زمینه‌ای برای نجات بیش از صد رزمنده‌ی مدافع، فراهم کند؟ چه کسی قبول می‌کند که یک جوان بیست‌ساله زیر آتش دشمن قامت

راست کند و از داغی گلوله‌ها خم به ابرو نیاورد؟ من به سختی باور می‌کنم که این‌ها فقط مال قصه‌ها نیست! ولی باید باور کنیم که این شهدا اسطوره بودند. اسطوره‌هایی بزرگ که باید تلاشمان برای رسیدن به آن‌ها، روز به روز و لحظه به لحظه بیشتر شود. نمی‌دانم چه بگویم. فقط این را می‌دانم که محمدامین خیلی زود به مقصد رسید تا به من و توی جوان ثابت کند که مردانگی و ایثار هنوز هم در دل جوانان این مرز و بوم یافت می‌شود. به امید آنکه محمدامین کریمیان این چند سطر خاطره را از ما قبول کند و زمینه‌ای برای شفاعتمان در لحظات بی‌کسی قرار دهد.

روحش هم‌نشین اولیای الهی باد.

در پایان لازم می‌دانم از خانواده محترم شهید کریمیان، دوستان شهید، جناب آقای رمضانیان و تمام کسانی که ما را برای نگارش خاطرات یاری کردند تشکر و قدردانی کنم. دست‌مریزاد و اجرتان باشد.

مهدی منصوریان - آذر ۱۳۹۶